

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۵/۲۴ بنا به پیشنهاد شماره ۷۰-۱۰-۱۳۳۸ مورخ ۱۳۷۵/۴/۱۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲) آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین المللی - مصوب ۱۳۷۱ - تصویب نمود:

وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است، نسبت به امضای مقدماتی موافقتنامه "اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت تانزانیا" در چهارچوب متن پیوست اقدام کند و مراحل قانونی را تا تصویب نهایی پیگیری نماید.

محسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

۱۲۷۵ / ۵ / ۲۴

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دفتر ریاست قوه قضاییه، دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، دفتر معاون اجرایی رئیس جمهور، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیوان محاسبات کشور، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و مقررات کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور و دفتر هیات دولت ابلاغ می شود.

۲- با این وجود، این حق الامتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود نیز برابر قوانین آن مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق الامتیاز" به گونه ای که در این ماده بکار می رود اطلاق می شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما بازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هر گونه حق اختراع، علامت تجاری، طرح یا مدل، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، نوارهای اطلاعاتی مربوط به تجارت صنعتی، بازرگانی یا علمی، نوارهای اطلاعاتی مربوط به استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها که مقیم یک دولت متعاهد می باشد، در دولت متعاهد دیگری که حق الامتیاز از طریق یک مقرر دایمی واقع در آن حاصل می شود، فعالیت شغلی داشته باشد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود بطور مؤثری با این مقرر دایم مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) و (۱۴) جاری خواهد بود.

۵- فرض بر این است که حق الامتیاز در دولت متعاهدی بدست می آید که پرداخت کننده خود دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با وجود این در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد و در یک دولت متعاهد دارای یک مقرر دایمی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز، بطور مؤثری مربوط به آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقرر دایمی باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقرر دایمی در آن واقع می باشد.

۶- در صورتی که به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیاز پرداختی با توجه به استفاده، حق یا اطلاعاتی که در قبال آنها حق الامتیاز پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، بخش اضافه پرداختی، برابر قوانین هر دولت متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳

عواید دارایی (سرمایه)

۱- عواید کسب شده توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول یاد شده در ماده (۶) و واقع در دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقرر دایمی را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقولی که مقیم یک دولت متعاهد به منظور ارائه خدمات شغلی مستقل در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال یک مقرر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا مقرر دایم می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید کسب شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیماها، یا وسایل نقلیه جاده‌ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید کسب شده توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که سرمایه آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم بطور عمده از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر تشکیل دهد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد یاد شده در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴

خدمات شغلی مستقل

۱- درآمد کسب شده توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مشابه از نوع مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود، مگر آنکه این شخص به منظور ارزیابی فعالیت خود محل کار ثابتی بطور مستمر در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه وی محل ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود ولی فقط تا حدودی که مربوط به محل ثابت مزبور می‌باشد.

۲- اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" به ویژه شامل فعالیت‌های علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حساب‌رسان می‌باشد.

ماده ۱۵

خدمات شغلی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر پرداخت‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاقد بابت خدمتی دریافت می‌دارد، فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه خدمت در دولت متعاقد دیگر انجام شود. چنانچه خدمت بدین ترتیب انجام شود، حقوق حاصل از آن می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲- با وجود مقررات بند (۱)، حقوق کسب شده توسط یک شخص حقیقی مقیم قلمرو یک دولت متعاقد به سبب خدمتی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت یاد شده در بالا خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده از (۱۸۳) روز در هر مدت دوازده ماهه شروع یا انقضای سال مالی مربوط تجاوز نکند،

ب: حقوق توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود و

پ: حقوق بر عهده مقر دایمی یا محل ثابت شغلی که پرداخت کننده حق الزحمه در دولت

متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳- با وجود مقررات قبلی این ماده، حقوق کسب شده بابت خدمات انجام شده در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن که در حمل و نقل بین‌المللی مورد استفاده واقع می‌شوند، مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶

حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و دیگر وجوه مشابه دریافتی توسط مقیم یک دولت متعاقد، در سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

ماده ۱۷

هنرمندان و ورزشکاران

۱- با وجود مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان یک هنرمند از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا یک موسیقیدان، یا به عنوان یک ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده در دولت متعاقد دیگر کسب می‌کند، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی یک هنرمند یا یک ورزشکار عاید شخص دیگری غیر از خود وی شود، با وجود مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، این درآمد می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳- با وجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد کسب شده توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارایه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقدشده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸

حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مقررات بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حقوق پرداختی به یک مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته، تنها مشمول مالیات آن دولت می‌باشد. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به کار می‌رود.

۲- حقوق بازنشستگی مستمریهای سالانه مادام‌العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد بابت بیمه حوادث شخصی، تنها در آن دولت می‌تواند مشمول مالیات شود.

ماده ۱۹

خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر پرداختهای مشابه، غیر از حقوق بازنشستگی، که از جانب یا از محل

صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی پرداخت شود، تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود. با وجود این، این پرداختها در صورتی تنها مشمول دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد و:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا
- تنها به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) نسبت به حقوق و مقرریهای بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده درخصوص فعالیتهای شغلی ارایه شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰

مدرسان و محصلان

۱- وجوه مربوط به مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و تنها به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.

۲- همینطور، حقوقی که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می برد و منظور اولیه از اقامت، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق دریافت می کند، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.

این بند در مورد درآمد ناشی از تحقیقاتی که بطور عمده برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص معینی انجام می شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱

سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که بطور صریح در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است، فقط مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود، مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر کسب شده باشند، در این صورت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشود.

۲- به استثنای درآمد ناشی از اموال غیر منقول به گونه ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، در دولت متعاقد دیگر از طریق یک مقر دایمی واقع در آن فعالیت شغلی نماید و حق یا اموالی که درخصوص آن درآمد بدست آمده است بطور مؤثری با این مقر دایمی مرتبط باشد، مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد اقلام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر برابر قوانین آن مشمول مالیات می باشند.

ماده ۲۲

سرمایه

- ۱- سرمایه، متشکل از اموال غیر منقول یادشده در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع است، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- سرمایه، متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می باشد یا اموال منقول مربوط به محل کار ثابتی است که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شغلی مستقل در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.
- ۳- سرمایه، متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیماها، وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعهادی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.
- ۴- سرمایه، متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که داراییهای آن بطور عمده از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد شود.
- ۵- تمام دیگر موارد سرمایه مقیم یک دولت متعاقد تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳

روش حذف مالیات مضاعف

- ۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی بدست آورد یا مالک سرمایه ای باشد که برابر مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت یادشده در بالا:
الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم منظور خواهد کرد،
ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر خواهد کرد.
با این وجود در هر یک از دو مورد، چنین تخفیفی از آن قسمت از مالیات بر درآمد یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف که حسب مورد می تواند به درآمد یا سرمایه در دولت دیگر تعلق یابد، بیشتر نخواهد بود.
- ۲- در صورتی که برابر هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد کسب شده یا سرمایه مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، با وجود این دولت یاد شده می تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را در نظر بگیرد.

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، بجز یا سنگینتر از مالیات و الزاماتی که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا می‌توانند مشمول آن شوند، نخواهند بود. این مقررات با وجود مقررات ماده (۱)، شامل اشخاصی نیز که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- وضع مالیات بر یک مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، نامساعدتر از مالیات مؤسسات تجاری دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند، نخواهد شد.

۳- مؤسسات تجاری یک دولت متعاهد که سرمایه آن بطور کلی یا جزئی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت یادشده بالا مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، بجز یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر مؤسسات مشابه تجاری در دولت یادشده بالا مشمول آن هستند یا می‌توانند مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررت به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید هر نوع تحقیقات شخصی، معافیت‌ها و بخشودگی مالیاتی را که به دلیل احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطا می‌نماید، به مقیمان دولت متعاهد دیگر نیز بدهد.

روش توافق دو جانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد ملاحظه کند که اقدامهای یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرفنظر از تدابیر پیش‌بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می‌تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او برابر بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می‌بایست ظرف دو سال از اولین اخطار در مورد اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست شده است، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند خود به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دو جانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دو جانبه کوشش خواهند کرد و نیز می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف، در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است، با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار از طریق مشاوره روشهای دوجانبه مناسب، شرایط، روشها و فنون مربوط به اجرای آیین توافق دوجانبه مقرر در این ماده را توسعه خواهند داد.

تبادل اطلاعات

- ۱ - مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای انجام مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را در مورد مالیاتهای مشمول این موافقتنامه، تائیدیه‌ای که با آن مغایر نباشند، بایکدیگر مبادله خواهند کرد. این تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود به همان صورتی که اطلاعات بدست آمده برابر قوانین آن دولت سری می‌باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری که به تشخیص یا وصول، اجرا، پیگیری، تعیین و پژوهش کار به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط بوده و یا مرتبط با اجرا، تعقیب یا رسیدگی به درخواستهای پژوهشی می‌باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامهای اطلاعات را تنها برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. ایشان می‌توانند این اطلاعات را در محاکم عمومی یا تصمیمات قضایی فاش سازند.
- ۲ - مقررات بند (۱) در هیچ موردی چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعهد را وادار سازد:
 - الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری آن دولت یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید،
 - ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که برابر قوانین یا رویه اداری متعارف آن دولت یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست،
 - پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف نظم عمومی باشد.

مساعدت برای وصول

- ۱ - مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد تعهد می‌کنند در مورد وصول مالیات به انضمام بهره، هزینه‌ها، و مجازاتهای مدنی مرتبط با این گونه مالیات که در این ماده به عنوان "مطالبه بدهی مالیاتی" نامیده خواهد شد، بایکدیگر مساعدت کنند.
- ۲ - درخواست مساعدت از طرف مقام صلاحیتدار یک دولت متعاهد برای "مطالبه بدهی مالیاتی" باید متضمن گواهینامه‌ای مبنی بر اینکه برابر قوانین آن دولت چنین مطالبه‌ای قطعی شده است، باشد. از لحاظ این ماده، "بدهی مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعاهد برابر قوانین داخلی خود حق وصول این مالیات را داشته باشد و مؤدی مالیاتی هیچ نوع حقی برای به تعویق انداختن وصول آن نداشته باشد.
- ۳ - "مطالبه بدهی مالیاتی" یک دولت متعاهد که وصول آن را مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر پذیرفته است، همانند "بدهی مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، برابر قوانین مربوط به وصول مالیاتهایش وصول خواهد کرد.
- ۴ - مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاهد به موجب این ماده، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر تقدیم خواهد شد. با این وجود، جز در مواردی که مقام صلاحیتدار دولتهای متعاهد به گونه دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، بر عهده دولت متعاهد یاد شده بالا خواهد بود و هر گونه مخارج فوق‌العاده هزینه شده بر عهده دولت

متعاقد دیگر خواهد بود.

۵- هیچ گونه مساعدتی برای "مطالبه بدهی مالیاتی" به موجب این ماده، در مورد مؤدی مالیاتی که "بدهی مالیاتی" وی مربوط به مدتی است که در آن مؤدی یادشده مقیم دولت متعاقد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.

۶- با وجود مقررات ماده (۲) (مالیاتهای موضوع موافقتنامه)، مقررات این ماده به تمامی مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاقد اعمال خواهد شد.

۷- هیچ چیز در این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هر یک از دو دولت متعاقد را وادار سازد اقدامات اداری به کاربرد که از نظر ماهیت متفاوت از اقداماتی باشد که در وصول مالیاتهای خود معمول می دارد یا مغایر با نظم عمومی آن دولت باشد.

ماده ۲۸

اعضای نمایندگان سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازهای مالی اعضای نمایندگان سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب مقررات عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹

لازم الاجرا شدن

۱- این موافقتنامه در هر یک از دو دولت متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در کوتاهترین زمان مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم اجرا و مقررات آن منشأ اثر خواهد شد:
الف: در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ اول ژانویه به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم اجرا می گردد، حاصل می شود،

ب: در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و سرمایه. نسبت به مالیاتهای قابل تحمیل برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول ژانویه به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم اجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۳۰

فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود لازم اجرا خواهد بود. هر یک از دو دولت متعاقد می تواند این موافقتنامه را از راههای سیاسی به موجب اعلامیه فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی متعاقب بعد از دوره پنجاهه از تاریخی که موافقتنامه لازم اجرا می شود، فسخ نماید، در این صورت این موافقتنامه منشأ اثر نخواهد بود:

الف: در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از اول ژانویه به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

ب: در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و مالیات بر سرمایه، نسبت به مالیاتهای قابل تحمیل برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول ژانویه به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

در تایید مراتب بالا، مقامهای صلاحیتدار دو دولت این موافقتنامه را امضا نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در تهران، در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه سال یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار هجری شمسی برابر با ششم ماه می سال یکهزار و نهصد و نود و پنج میلادی به زبانهای فارسی، و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف
دولت تانزانیا

از طرف
دولت جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

موافقتنامه

اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی
در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه

بین

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت تانزانیا

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت تانزانیا با تمایل به انعقاد یک موافقتنامه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا قلمرو هر دو طرف باشند.

ماده ۲

مالیاتهای موضوع موافقتنامه

- ۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از چگونگی وضع آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها تحمیل می شود.
- ۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت هستند از: مالیاتهای متعلق به کل درآمد و سرمایه یا اجزای آنها، از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی مؤسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه
- ۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارت هستند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر اموال.

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود.)

ب: در مورد تانزانیا:

.....

.....

.....

.....

.....

۴- این موافقتنامه همچنین شامل مالیاتهایی که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضای این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود، مشروط بر آنکه برابر تعریف بند (۱) این ماده همانند یا بطور اساسی مشابه آنها باشند. مقامهای صلاحیتدار کشورهای متعاقد، در مدت معقول از هر تغییری که در قوانین مربوط مالیاتیشان حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند کرد.

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از نظر این موافقتنامه، جز در مواردی که متن مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف: اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن، اطلاق می شود به جمهوری اسلامی ایران یا تانزانیا.

اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" اطلاق می شود به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

اصطلاح "تانزانیا"

ب: اصطلاح "مالیات" اطلاق می شود به تمامی مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه.
پ: اصطلاح "شخص" شامل یک شخص حقیقی، یک شرکت یا هر هیات دیگری از اشخاص می باشد.

ت: اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحد که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث: اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی است که برابر قوانین مربوط هر دولت متعاقد، به ثبت رسیده باشد.

ج: اصطلاحات "مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد" و "مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.

چ: اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هر گونه حمل توسط یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط یک مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که این کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن تنها بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شوند.

ح: اصطلاح "مقام صلاحیتدار"

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز وی، و

- در مورد تانزانیا،.....

خ: اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد،

- هر شخص حقوقی که وضعیت خود را به عنوان "تبعه" از قوانین جاری یک دولت متعاقد اخذ

می نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، به

جز مواردی که اقتضای متن به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که برابر قوانین آن دولت

متعاقد، راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴

مقیم

۱- از نظر این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" اطلاق می شود به هر شخصی که به

موجب قوانین آن دولت، به سبب اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت دفتر یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد

باشد، وضعیت وی به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد.

اگر او در هر دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد (مرکز منافع حیاتی)،

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا اگر در هیچ یک از دو

دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که بطور معمول در آنجا بسر می برد،

پ: هرگاه او بطور معمول در هر دو دولت متعاقد بسر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی

تلقی می شود که تابعیت آن را دارد،

ت: هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچیک از آنها نباشد، مقامهای

صلاحیتدار دو دولت موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، یک شخص - غیر از شخص حقیقی - مقیم هر دو

دولت متعاقد باشد، وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دایم

۱- از نظر این موافقتنامه، اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق

آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بطور کلی یا جزئی در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

ب: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه،

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، کان یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری یا استخراج منابع طبیعی.
۳- عرصه ساختمانی، پروژه ساختمانی، موتاز، نصب یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می شوند، اما فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت ها بیش از ادامه داشته باشد.

۴- با وجود مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروح زیر از سوی مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به عنوان فعالیت از طریق یک "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:
الف: استفاده از تأسیسات، تنها به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری،

ب: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش،
پ: نگهداری موجودی کالا یا اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری، تنها به منظور آماده سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر،

ت: نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور خرید کالاهای اجناس یا جمع آوری اطلاعات برای آن مؤسسه،

ث: نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور انجام تبلیغات، عرضه اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد،

ج: نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در قسمتهای (الف) تا (ت) به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- با وجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی - به غیر از یک نماینده دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۶) می باشد - در یک دولت متعاقد از طرف یک مؤسسه تجاری دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و آن را بطور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیتهایی که آن شخص برایش انجام می دهد مقر دایم تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیتهای این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد که به موجب مقررات این بند چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد تنها به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک دلال، حق العمل کار یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد، مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد. با این وجود، هرگاه فعالیتهای چنین نماینده ای بطور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او بعنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم، خواه بدون آن) به خودی خود کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

درآمد کسب شده توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد بدست آمده از کشاورزی یا جنگلداری)، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که نسبت به آنها مقررات و قوانین عمومی مربوط به اموال غیر منقول اعمال می شود، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای متغیر یا ثابت در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، کانها و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد بدست آمده از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر بهره برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را مستحق بهره برداری از اموال غیر منقول تصرف شده آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر حق تمتع، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است شود.

۵- مقررات بند (۱) و (۳) این ماده به درآمد ناشی از اموال غیر منقول یک مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای ارائه خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷

منافع تجاری

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری کسب شده توسط مؤسسه یک دولت متعاهد، فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر اینکه این مؤسسه تجاری از طریق مقر دایمی واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود لیکن فقط قسمتی از آن که قابل انتساب باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاهد، آن منافع جهت مقر دایم منظور می شود که اگر این مقر، یک مؤسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتهای مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می داد و بطور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری که مقر دایم آن می باشد معامله می کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع یک مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دایمی یک مؤسسه مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها، خواه در دولتی که مقر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حدی که در یک دولت متعاهد، روش متعارف برای تعیین منافع قابل انتساب به یک مقر دایم بر اساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. با این حال نتیجه روش تسهیمی اتخاذ شده باید با اصول این ماده همخوانی داشته باشد.

۵- هیچ نوع منفعتی به صرف خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقر دایم برای مؤسسه تجاری، برای آن مقر دایم منظور نخواهد شد.

۶- منافع تخصیصی به مقر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتیکه منافع، شامل اقلامی از درآمد باشد که برابر سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

منافع کسب شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹

مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف: مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه یک مؤسسه تجاری دولت متعاهد دیگر شرکت داشته باشد، یا

ب: اشخاص واحدی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد و مؤسسه تجاری دولت متعاهد دیگر شرکت داشته باشند و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا تحمیلی در روابط تجاری و مالی بین این دو مؤسسه تجاری متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات تجاری مستقل برقرار است،

در آن صورت هرگونه منافعی که باید به خاطر وجود شرایط یادشده، عاید یکی از این مؤسسات تجاری می‌شد، ولی به علت آن شرایط عاید نشده است، جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و مشمول مالیات متعلقه خواهد بود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد در زمره منافع یک مؤسسه تجاری خود، منافعی را منظور نماید - و بدین ترتیب مشمول مالیات کند - که مؤسسه دولت متعاقد دیگر در آن نسبت به آن منافع، مشمول مالیات شده است و منافع یادشده از سوی دولت متعاقد اولی ادعا شود که منافعی هستند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه، مانند شرایط میان دو مؤسسه مستقل بود عاید آن مؤسسه می شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد، در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰

سود سهام

۱ - سود سهام برد ختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است به مقیم یک دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود،

۲ - با این حال، این سود سهام می تواند در دولت متعهده‌ای که شرکت پرداخت کننده سود سهام، برابر قوانین آن دولت مقیم آن است نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه تجاوز نخواهد کرد از:

الف : درصد مبع ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل درصد سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را بطور مستقیم در اختیار داشته باشد،

ب : درصد مبع ناخالص سود سهام در کلیه موارد دیگر را در اختیار داشته باشد.

۳ - اصطلاح "سود سهام" به گونه‌ای که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات مربوط به بدهیها، مشارکت در منافع، همچنین شامل درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی می شود که برابر مقررات دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد مقیم آن می باشد، مشمول همان مقررات مالیاتی باشد که در مورد درآمد بدست آمده از سهام اعمال می شود.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام که مقیم یک دولت متعاقد است در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی پردازد یا از طریق یک محل ثابت شغلی واقع در آن خدمات شخصی مستقل ازایه دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا محل ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود و حسب مورد مقررات ماده (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.

۵ - چنانچه شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت تحمیل نخواهد کرد، (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور مؤثر مربوط به یک مقر دایم واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت نیز مشمول مالیات نمی شود حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، بطور کئی یا جزئی شامل منافع یا درآمد بدست آمده در آن دولت دیگر باشند.

ماده ۱۱

هزینه‌های مالی

۱ - هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - با این وجود، این هزینه‌های مالی می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل می‌شود، برابر قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت‌کننده مالک منافع بهره‌بردار باشد، مالیات متعلقه از درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح "هزینه‌های مالی" به گونه‌ای که در این ماده به کار رفته است اطلاق می‌شود به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بهره‌کار و به ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا استقراضی از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به اینگونه اوراق (اوراق بهادار دولتی، اوراق قرضه یا استقراضی) برخوردار باشد یا نباشد. خسارت تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴ - با وجود مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی کسب شده در یک دولت متعاقد و کسب شده توسط دولت، وزارتخانه‌ها، سایر نهادهای دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که بطور کلی متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت یاد شده در بالا معاف خواهد بود.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالباتی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود بطور مؤثر مربوط به این مقر دایم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۶ - فرض بر این است که هزینه‌های مالی در دولت متعاهدی حاصل می‌شود که پرداخت‌کننده آن، خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد، با وجود این، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد و در یک دولت متعاقد دارای مقر دایم بوده و بدهی که بدان هزینه‌های مالی تعلق می‌گیرد در ارتباط با آن مقر دایم باشد، در این صورت هزینه‌های مالی یاد شده، کسب شده در دولتی تنفی خواهد شد که این مقر دایم در آن واقع است.

۷ - در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی با توجه به طلب، بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع تعیین می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، برابر قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۲

حق الامتیاز

۱ - حق الامتیازهای کسب شده در یک دولت متعاقد و پرداختی به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت شود.